

بررسی مقایسه اثرگذاری محیط کسب و کار بر شاخص‌های توسعه صنعت بانکداری در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته

دکتر مرجان دامن کشیده^۱*

چکیده

فضای کسب و کار و سرمایه‌گذاری به مثابه محیط سیاستی، نهادی و رفتاری می‌باشد که بازدهی و مخاطرات مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج تخمین مدل در این گروه از کشورها نشان می‌دهد که با افزایش منابع و درآمدهای نفتی، بدلیل وابستگی شدید این کشورها به درآمدهای حاصل از نفت، درآمدهای دولت و نقدینگی بانکها نیز افزایش می‌یابد و با توجه به اینکه بیشتر این کشورها بخاطر مصرفی بودن وابستگی شدیدی به تقاضای واردات دارند، لذا با افزایش درآمدهای نفتی، تقاضای کل در اقتصاد این کشورها افزایش می‌یابد و به علت عدم وجود قدرت تولیدی و عدم توجه زیاد به مسئله کسب و کار و کارآفرینی، با افزایش تقاضا توسط مصرف کنندگان کالاها و خدمات، سطح عمومی قیمتها (تورم) نیز افزایش می‌یابد. با توجه به اهمیت فضای کسب و کار و تأثیر آن بر بخش مالی در اقتصاد، این مقاله به بررسی محیط کسب و کار بر توسعه صنعت بانکداری در دو دسته کشورهای «تازه صنعتی شده» (NICs) و منتخب OECD و «کشورهای OPEC و بریکس (BRICs)» به صورت مقایسه‌ای پرداخته است. نتایج تخمین برای سه گروه کشورهای منتخب Oecd، کشورهای منتخب BRICs و کشورهای منتخب NICs نزدیک هم می‌باشد و عبارتی بدلیل پشت سر گذاشتن مراحل توسعه‌یافتگی، بهبود در فضای کسب و کار و افزایش حجم نقدینگی و حجم تسهیلات بانکی، شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (PEN) بهبود می‌یابد. ولی برای کشورهای منتخب اوپک نتایج متفاوت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فضای کسب و کار، صنعت بانکداری، شاخص نفوذ بانکی، شاخص تمرکز بانکی، تسهیلات بانکی.

بیان مسئله

صنعت بانکداری، از جمله صنایع مهم و مطرح دنیاست و گسترش روزافزون دانش بشری سبب شده است که این صنعت نیز از این دانش بهره‌فراوان داشته باشد. امروزه بانکها در کشورهای پیشرفته به عنوان راهگشا، مشاور حرفه‌ای، متخصص در افزایش منابع مالی شرکت‌ها و جمع‌آوری و تبادل اطلاعات لازم برای مشتریان خود عمل می‌کنند و یکی از موتورهای محرک اقتصادی هر کشور محسوب می‌شوند. این امر سبب شده است تا فضای رقابتی تنگاتنگی میان آنها

صنعت بانکداری، از جمله صنایع مهم و مطرح دنیاست و گسترش روزافزون دانش بشری سبب شده است که این صنعت نیز از این دانش بهره‌فراوان داشته باشد. امروزه بانکها در کشورهای پیشرفته به عنوان راهگشا، مشاور حرفه‌ای، متخصص در افزایش منابع مالی شرکت‌ها و جمع‌آوری و تبادل اطلاعات لازم برای مشتریان خود عمل می‌کنند و یکی از موتورهای محرک اقتصادی هر کشور محسوب می‌شوند. این امر سبب شده است تا فضای رقابتی تنگاتنگی میان آنها

برقرار شود. طبق نظریه های اقتصاد کلان، انباشت سرمایه یکی از شروط لازم برای رشد اقتصاد ملی به حساب می آید. به عبارتی، به کارگیری مطلوب نیروی کار در فرایند تولید تا حد زیادی به میزان سرمایه موجود بستگی دارد و انباشت سرمایه، در تعیین میزان افزایش ستانده کل و ستانده سرانه نیروی کار نقش اساسی ایفا می نماید. به طریق اولی، همراه با گسترش زمینه های افزایش تولید و بهره وری در اقتصاد ملی، میزان پیشرفت جامعه با میزان سرمایه گذاری انجام شده در آن، رابطه همسو و متناسب دارد. بسیاری از مطالعات اقتصادی تأیید می کنند که در صورت فقدان سرمایه کافی، رشد اقتصادی با مشکل جدی مواجه می شود (مردیان، ۱۳۹۷).

بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز با مشکل اساسی کمبود سرمایه روبرو هستند. از آنجا که انباشت سرمایه یکی از مهمترین منابع رشد مداوم اقتصادی یک کشور به شمار می رود، از طریق بازارهای مالی منجمله شبکه بانکی کشور، می توان فرایند تشکیل سرمایه را تسریع نمود. بازارهای مالی به سبب نقش اساسی در گردآوری منابع از طریق پس اندازهای کوچک و بزرگ موجود در اقتصاد ملی، بهینه سازی گردش منابع مالی و هدایت آنها به سوی مصارف و نیازهای سرمایه گذاری در بخش های مولد اقتصادی، مورد توجه قرار می گیرند. اثرات مثبت شبکه بانکی بر رشد اقتصادی از جمله افزایش انگیزه سرمایه گذاری از طریق کاهش ریسک، قیمت گذاری ریسک و تسهیل ریسک نقدینگی و تجهیز و بسیج سپرده ها و... آنقدر زیاد و حساس است که برخی اقتصاددانان بر این عقیده اند که تفاوت اقتصادهای توسعه یافته و توسعه نیافته، نه در تکنولوژی پیشرفته توسعه یافته ها بلکه در وجود بازارهای مالی یکپارچه فعال و گسترده است. بازارهایی که کشورهای توسعه نیافته از آن محرومند. این مطالعات نشان می دهد که سطح توسعه بازارهای مالی در نهایت تأثیر شگرفی بر رشد اقتصادی به جای می گذارد. بازارهای مالی پیشرفته کشورهای پیشرفته صنعتی، حجم قابل ملاحظه ای از سرمایه مالی اقتصاد مربوطه را در کنترل دارند. این بازارها انگیزه پس انداز کردن و تبدیل پس انداز به سرمایه گذاری را با هدف

تشکیل سرمایه به عهده دارند و از این رو نقش مهمی در تسریع رشد اقتصادی بر عهده می گیرند (جمالی، ۱۳۹۷).

با توجه به آنچه اشاره شد، اهمیت رشد صنعت بانکداری ایجاب می کند تا عوامل موثر بر این صنعت بیش از پیش مورد تحلیل قرار گیرد. یکی از موضوعات به روز مورد بررسی شاخص فضای کسب و کار است که می تواند نقش مهمی در رشد صنعت بانکداری در اقتصاد ایران ایفا نماید. اگرچه مفهوم فضای کسب و کار از دیرباز در نظریات و اندیشه های اقتصادی با تعاریف و عناوین دیگر مورد بررسی قرار گرفته اند، اما از دهه ۹۰ میلادی تاکنون این مفهوم مورد توجه کشورها و نهادهای بین المللی قرار گرفته به طوری که بخشی از اهداف و سیاست گذاری های کلان کشورها به بهبود فضای کسب و کار اختصاص می یابد. فضای کسب و کار و سرمایه گذاری به مثابه محیط سیاستی، نهادی و رفتاری می باشد که بازدهی و مخاطرات مرتبط با فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری ها را تحت تأثیر قرار می دهد (صابری و همکاران، ۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاههای حاکمیت، ثبات قوانین و مقررات و کیفیت زیرساخت ها می توانند به عنوان شاخص های مصادیق فضای کسب و کار تلقی گردند که تغییر دادن آنها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه های اقتصادی است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۸). بررسی ها نشان می دهد در کشورهایی که فضای کسب و کار نامناسبی دارند رقابت پذیری بنگاه ها کاهش یافته و موجب ایجاد بخش غیر رسمی و بزرگ تر شدن اقتصاد زیرزمینی شده و توسعه مالی و رشد اقتصادی را کاهش می دهد (فرخی، ۱۳۹۷).

با توجه به اهمیت فضای کسب و کار و تأثیر آنها بر بخش مالی کشورها، این مطالعه به بررسی این متغیر اقتصادی بر توسعه صنعت بانکداری در دو دسته کشورهای «تازه صنعتی شده» (NICs) و «منتخب OECD» و «کشورهای OPEC و بریکس» (BRICS) به صورت مقایسه ای پرداخته است.

مروری بر پیشینه تحقیق

در ابتدا به مفهوم و در ادامه به تحلیل شاخص فضای کسب و کار پرداخته می شود. نویسندگان مختلف، تعاریف متفاوتی از کسب و کار دارند. در واژه نامه ی آکسفورد، کسب و کار به معنی خرید و فروش و تجارت آمده است. در واژه نامه ی لانگ من، کسب و کار به فعالیت پول در آوردن و تجارتي که از آن پول حاصل شود، گفته می شود. به زبان ساده، کسب و کار عبارت است از حالتی از مشغولیت و به طور عام، شامل فعالیت هایی است که تولید و خرید کالاها و خدمات با هدف فروش آنها را به منظور کسب سود، در بر می گیرد (شاپوری، ۱۳۹۷).

بر طبق نظر ارویک و هانت^۱، (۱۹۹۸) و کاری که در آن خدمات یا کارهایی که دیگر افراد جامعه به آن نیاز دارند و مایل به خرید آن هستند و توان پرداخت بهای آن را دارند، تولید، توزیع و عرضه می شود.

پترسن و پلومن^۲ (۱۹۹۹) بر این باورند که هر تبدیلی که در آن خرید و فروش صورت گیرد، کسب و کار نیست، بلکه کسب و کار، هر نوع تبادل تکراری و تجدید شونده ی خرید و فروش است.

پروفسور اون^۳ (۱۹۹۸)، کسب و کار را یک نوع کاسبی می داند که طی آن کالاها یا خدمات برای فروش در بازار تولید و توزیع می شوند.

بنابراین با توجه به تعاریف یاد شده می توان دریافت که کسب و کار با خرید و فروش کالاها، تولید کالاها یا عرضه ی خدمات، به منظور به دست آوردن سود، سر و کار دارد. با توجه به تعاریف یاد شده، ویژگی های کسب و کار، عبارتند از:

۱. فروش یا انتقال کالاها و خدمات برای کسب ارزش
۲. معامله ی کالاها و خدمات
۳. تکرار معاملات
۴. انگیزه ی سود (مهمترین و قدرتمندترین محرک اداره ی امور کسب و کار).
۵. فعالیت توأم با ریسک، کسب و کار، همیشه بر آینده

متمرکز است و عدم اطمینان، ویژگی آینده است. از این رو، همواره کسب و کار توأم با ریسک است (تورجی، ۱۳۹۸).

فضای کسب و کار سرمایه گذاری را می توان از حوزه های استراتژیک توسعه صنعتی ایران تلقی کرد که عمدتاً ناشی از کلیه عوامل بیرونی بوده و عواملی چون بهره وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه گذاری، آزادی های اقتصادی تولیدکنندگان و ظرفیت های تولیدی را تحت تاثیر خود قرار می دهد. از سوی دیگر، توسعه اقتصادی بر پایه رقابت پذیری کشورها استوار است و سلامت محیط کسب و کار از عوامل موثر بر رقابت پذیری می باشد. محیط کسب و کار روشن و سالم که منتج از سلامت اقتصاد و سیاست درست کشورها بوده و منجر به نتیجه های مثبت اقتصادی از قبیل صادرات مفید، رشد اقتصادی و توسعه صنعتی می شود، از مواردی است که بطور جدی باید در فهرست سیاست های اقتصادی دولت قرار بگیرد (تورجی، ۱۳۸۸).

برای افزایش رشد و توسعه اقتصادی باید شرایط مورد نیاز برای این امر تحقق یابد. می توان شرایط محیطی مورد نیاز برای افزایش تولید و گسترش کسب و کار را به فضای کسب و کار تعبیر نمود. به عبارت دیگر، فضای کسب و کار متغیرهای موثر بر کسب و کار بنگاه های اقتصادی است که خارج از تسلط و قدرت آن بنگاه ها است ولی بر نتیجه تلاش آنها بسیار موثر است.

شاخص های کسب و کار

بانک جهانی از سال ۱۹۹۹ پروژه ای را به عنوان بررسی فضای کسب و کار در کشورهای مختلف در دستور کار خود قرار داد و اقتصاد کشورهای مختلف را که اکنون قریب به ۱۸۵ کشور می باشد بر اساس شاخص هایی که در ادامه معرفی می گردند، ارزیابی و رتبه بندی می کند. نتایج حاصل از این اقدام سالانه تحت عنوان گزارش جهانی سرمایه گذاری به طور رسمی از طرف کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل

1. Oreik & hant

2. Pitersen & peloman

3. Oun

بررسی حقوق سهامداران خرد در شرکت های سهامی عام و میزان حمایت های قانونی و اجرایی از این حقوق می پردازد و به عبارت دیگر سهام داران خرد به چه اندازه می توانند در برابر منافع مدیران و سهامداران عمده از حقوق خود دفاع نمایند.

- **شاخص پرداخت مالیات:**^۱ این شاخص تمام انواع مالیات ها و پرداخت های اجباری به دولت و صندوق های بازنشستگی را که در دفاتر مالی شرکت منعکس شده و بر درآمدهای اظهار شده مؤثر است محاسبه می کند. قابل ذکر است مالیات بر ارزش افزوده در حساب های شرکت منعکس نمی شود اما مراحل را بر شرکت تحمیل می کند.

- **شاخص تجارت فرامرزی:**^۲ این شاخص تمام مراحل الزامی برای صادرات و واردات محموله استاندارد کالا از طریق سامانه حمل و نقل را گردآوری می کند. تمام مراحل اداری واردات و صادرات کالا (از توافق پیمانکار تا حمل کالا) و نیز زمان و هزینه انجام امور ثبت و ضبط می شود. علاوه بر آن، تمام اسناد و مدارک لازم برای تصفیه حساب کالای مبادله شده بین مرزها ثبت و ضبط می گردد (ولی ییگی، پناهی، ۱۳۸۹).

- **شاخص لازم الاجرا شدن قراردادهای:**^۳ این شاخص به بررسی کارآمدی سیستم قضایی یک کشور در حل و فصل اختلافات تجاری می پردازد. این شاخص زمان، هزینه و تعداد مراحل مورد نیاز برای رسیدگی به یک دعوی، صدور رأی در مورد آن و اجرای رأی صادره را مورد بررسی قرار می دهد.

- **شاخص پایان کسب و کار:**^۴ این شاخص به بررسی یک شرکت داخلی می پردازد که پس از اعلام ورشکستگی برای طی فرایند قانونی و تسویه بدهی های معوقه و در نهایت تعطیل ی شرکت می بایست هزینه هایی را پرداخت کند. در این شاخص مدت زمان سپری شده، هزینه های قانونی مرتبط و پیامدهای ورشکستگی در اقتصاد یک کشور مورد بررسی

متحد^۱ (UNCTAD) اعلام می گردد و همواره توصیه ها و وضعیت هر کشور در گزارش مذکور مورد توجه سرمایه گذاران خارجی و بخش خصوصی قرار گرفته و در جلب نظر آنها به منظور سرمایه گذاری در کشورها حائز اهمیت می باشد. در ادامه شاخص های مورد نظر ارائه می گردند (افخمی، ۱۳۹۷).

- **شاخص شروع کسب و کار:**^۲ این شاخص کل فرایندی را که یک کارآفرین به منظور تأسیس یک شرکت تا بهره برداری رسمی برای شروع یک کسب و کار تجاری، خدماتی یا صنعتی انجام می دهد ارزیابی می کند.

- **شاخص اخذ مجوزهای ساخت:**^۳ این شاخص میزان سهولت یا سختی تعامل با مراجع قانونی صادرکننده مجوزهای ساخت یک انبار برای مصارف صنعتی را از حیث محاسبه زمان و هزینه تمام شده هر مرحله در شرایط واقعی و متعارف برای فعالان اقتصادی را بررسی می کند.

- **شاخص اشتغال:**^۴ این شاخص مقررات مربوط به استخدام و اخراج کارگران و میزان انعطاف پذیری ساعات کار را در یک اقتصاد مورد ارزیابی قرار می دهد. هدف این شاخص، محاسبه میزان سختی قوانین کار، استخدام و اخراج در شرایط وجود نیروی مازاد و همچنین انعطاف پذیری ساعات کار بر اساس شرایط واقعی می باشد.

- **شاخص ثبت اموال:**^۵ در این شاخص، فرایند کامل خرید یک زمین، ساختمان و انتقال حق مالکیت آن از یک فرد به فرد دیگر (خریدار) ثبت می شود. در این فرایند هر مرحله ای که به واسطه قانون یا رویه برای انتقال حق مالکیت ضروری است ثبت می گردد (ناصری، ۱۳۹۸).

- **شاخص اخذ اعتبار:**^۶ این شاخص، وضعیت ثبت و به اشتراک گذاری و مبادله اطلاعات اعتباری و حقوق قانونی وام گیرندگان و وام دهندگان را اندازه گیری می کند.

- **شاخص حمایت از سهامداران خرد:**^۷ این شاخص به

1. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

2. Starting a Business

3. Dealing with Construction Permits

4. Getting Electricity

5. Registering Property

6. Getting Credit

7. Protecting Investors

8. Paying Taxes

9. Trading Across Borders

10. Enforcing Contracts

11. Resolving Insolvency

قرار می‌گیرد (ادیب، ۱۳۹۸).

بهبود فضای کسب و کار

مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد عوامل محیطی در برخی از کشورها هزینه‌های تولید را نزدیک به ۳۰ درصد افزایش می‌دهد اما در کشورهایی که فضای کسب و کار آنها مناسب‌تر است هزینه‌های محیطی به حدود ۵ درصد کاهش می‌یابد. بهبود فضای کسب و کار امروزه به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. این راهبرد مکمل راهبرد خصوصی‌سازی است و برخی نیز حتی بر این باورند که رفع موانع بخش خصوصی یا همان بهبود فضای کسب و کار باید جایگزین خصوصی‌سازی شود. همچنین بهبود فضای کسب و کار می‌تواند منجر به ایجاد فعالیت‌های متکی بر کارآفرینی گردد. افزایش سطح فعالیت‌های کارآفرینانه و توسعه کارآفرینی در یک جامعه به ایجاد محیطی پیش‌برنده برای افزایش تعداد کارآفرینان و راه‌اندازی و رشد شرکت‌ها نیاز دارد. برای ایجاد فرصت‌های محیطی بیشتر، دولت‌ها می‌توانند موانع موجود در سیستم‌های نظارتی، اداری، قانونی و مالی که ممکن است به عنوان عوامل بازدارنده در ورود به کسب و کار عمل کنند را کاهش یا حذف کنند. محیط نامناسب کسب و کار مانع رشد کارآفرینی و شرکت‌های کوچک و متوسط است و در این خصوص شرکت‌های کوچک بیش از شرکت‌های بزرگ از محیط نامناسب کسب و کار آسیب می‌بینند^۱.

به کلیه عوامل موثر بر کسب و کار بنگاه‌های اقتصادی که خارج از کنترل و تسلط بنگاه‌ها می‌باشد فضای کسب و کار اطلاق می‌گردد. بهبود فضای کسب و کار در کشورها عاملی مهم در راستای افزایش رشد اقتصادی آنها به شمار می‌آید. بهره‌وری در تولید از عوامل مهم اثرگذار بر فضای کسب و کار می‌باشد که کشورها می‌توانند بخشی از رشد اقتصادی خود را در سایه افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه محقق کنند. لازمه بهبود شرایط کسب و کار در کشورها دانستن

نقاط ضعف و قوت فضای کسب و کار آنها می‌باشد. بر اساس مطالعات صورت گرفته در فضای کنونی اقتصاد ایران موانعی بر سر راه فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران وجود دارد که برطرف شدن آنها از بار مشکلات فضای کسب و کار کشور می‌کاهد. از جمله این موانع می‌توان به عدم اطمینان از سیاست‌های کنونی دولت در بخش‌های مختلف، نظام دریافت عوارض و گستردگی جرائم اجتماعی، تعدد و پیچیدگی بخش نامه‌ها و قوانین، فساد و گستردگی اقتصاد زیرزمینی، میزان سهولت و هزینه‌های دسترسی به منابع مالی، مهارت نیروی انسانی و مقررات نیروی کار، هزینه‌های حمل و نقل، دسترسی به زمین، انرژی و مخابرات اشاره کرد. کشورها طی چند دهه گذشته برای افزایش نرخ رشد اقتصادی خود از سیاست‌ها و ابزارهای گوناگونی بهره‌برده‌اند، استفاده از این ابزارها و سیاست‌ها گاهی منجر به افزایش رشد اقتصادی گردیده است و گاهی نیز نتیجه معکوس در برخی از کشورها بر جای گذاشته است. بانک جهانی نیز با انتشار گزارش فضای کسب و کار راهنمایی مناسب برای سرمایه‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها بوده است. این گزارش از سال ۲۰۰۴ منتشر شده و در سال ابتدایی انتشار آن فضای کسب و کار ۱۳۳ کشور را از طریق پنج شاخص مورد بررسی قرار داده است، در سال‌های بعد انتشار پروژه فضای کسب و کار به مرور تعداد کشورها و شاخص‌ها افزایش یافته به گونه‌ای که در گزارش سال ۲۰۱۳ به ۱۸۵ کشور و ده شاخص رسیده است. ده شاخص فضای کسب و کار که در گزارش سال ۲۰۱۳ بانک جهانی آورده شده‌اند عبارتند از شاخص شروع کسب و کار، شاخص اخذ مجوزها، شاخص ثبت اموال، شاخص سهولت دسترسی به برق، شاخص اخذ اعتبار، شاخص حمایت از سهامداران خرد، شاخص پرداخت مالیات، شاخص تجارت فرامرزی، شاخص اجرای قراردادهای و شاخص انحلال شرکت‌ها یا توانایی شرکت‌ها در پرداخت دیون. بانک جهانی کشورها را بر پایه همین شاخص‌ها مقایسه و رتبه‌بندی می‌کند. کشورهایی که جایگاه نامناسبی را در میان کل کشورهای مورد بررسی

اجتماعی نیز از طریق توسعه کارآفرینی قابل دستیابی است (نظری، ۱۳۹۸).

تاثیر کسب و کار بر بانکداری

بازار بسیار پویا، تغییر خواسته های مشتری، رقابت شدید، ضرورت کنترل دقیق و مدیریت ریسک تنها برخی از ویژگی های محیط کسب و کاری است که بانک های مدرن در آن به انجام عملیات خود می پردازند. مدیریت و فرآیند تصمیم گیری بهتر در بازاری با این ویژگی های تعیین کننده موفقیت و یا عدم موفقیت بانک ها است؛ لذا بکارگیری راه حل های کسب و کار در بانک ها می تواند تصمیم گیرندگان را در تمام بخشهای کسب و کاری بانک از منابع اطلاعاتی بهره مند ساخته تا بتوانند برای حل مشکلات و تصمیم گیری های با کیفیت بالا و به موقع، اقدام نمایند. در واقع بانک ها برای سازگاری با چالش های جدید محیط پیچیده و پویا نیازمند اطلاعات مرتبط و به موقع هستند. بانک ها برای این منظور به جمع آوری گسترده داده از منابع مجزای داخلی و خارجی می پردازند که ابزارهای کسب و کار با بکارگیری فناوری های اطلاعاتی از قبیل پردازش تحلیلی آنلاین و داده کاوی باعث تصمیم گیری در محیط پیچیده بانکداری می شود (واکر^۱، ۲۰۱۹). پیاده سازی سیستم های کسب و کار در بانک ها با جمع آوری، بهبود و پاک سازی داده های عملیاتی روزانه منابع داخلی و خارجی شروع می شود که وجود داده بیشتر با هزینه کم به بانک ها کمک می کند، از امکانات کسب و کار برای تقویت روابط مشتری، جذب مشتری احتمالی و کسب رشد استفاده کنند. در واقع کسب و کار به طور مؤثر استراتژی کسب و کار را با فناوری های اطلاعاتی برای بهره برداری از زیرساخت های موجود فناوری اطلاعات و مهارت ها مرتبط میکند بانکداری به عنوان صنعتی فعال در پذیرش نوآوری مرتبط با فناوری ها و سیستم های اطلاعاتی مطرح بوده است (دریس^۲، ۲۰۱۷). در حوزه بانکداری زمینه های مهمی از جمله اعتبارسنجی، بهره وری و عملکرد شعب،

اخذ کرده اند می توانند با الگو بردار از کشورها موفق و پیشرو خود را به جایگاه مناسبی برسانند و موجبات رشد و شکوفایی اقتصاد خود را فراهم آورند (ادیب، ۱۳۹۸).

توسعه اقتصادی و توسعه کسب و کار

توسعه، در اصطلاح علم اقتصاد، یک مفهوم کیفی به معنی افزایش ظرفیت تولیدی با به کارگیری روش و فناوری و بهره وری از امکانات و منابع است. درآمد سرانه، نرخ مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی و نرخ بی سوادی بزرگسالان مهم ترین شاخص های توسعه هستند. کشورها از نظر توسعه اقتصادی به دو گروه کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه تقسیم می شوند (شاپوری، ۱۳۹۸).

علم توسعه، مولفه هایی برای توسعه اقتصادی پیشنهاد می دهد. یکی از پررنگ ترین آنها توسعه فعالیت های نوآوری و مدیریت دانش است. حاکم شدن فضای نوآوری به همراه تعریف و بکارگیری مؤثر مدیریت دانش، به ایجاد، رشد و توسعه کسب و کارها کمک می کند. توسعه اقتصادی با ایجاد ظرفیت هایی در حوزه منابع و در حوزه تقاضا، به توسعه و رشد کسب و کارها کمک می کند. در واقع چرخه پول-تولید-فروش بارها تکرار شده و به افزایش قدرت خرید و در نتیجه تقاضا برای رشد و ایجاد کسب و کارها می شود. از سوی دیگر در یک رابطه دوطرفه، توسعه و فزونی کسب و کارها در کنار عنصر رقابت، به بهبود فضای نوآورانه کمک می کند. اگر عوامل توسعه اقتصادی، توسعه بهره وری و رقابت پذیری در یک کشور مد نظر باشد، بنگاه های اقتصادی و کارگزاران آنها یعنی مدیرانشان نقش اساسی در این امر دارند. ایجاد کسب و کارهای جدید به معنی افزایش ظرفیت اقتصاد کشور و رشد کسب و کارها نیز به معنی استفاده از حداکثر ظرفیت های موجود و ایجاد ظرفیت جدید می باشد. ایجاد و توسعه کسب و کار یکی از ابزارهای مؤثر توسعه اقتصادی است. به ویژه اگر گستردگی و توزیع جغرافیایی کسب و کارها بالا باشد، هدف های توسعه اقتصادی مانند فقرزدایی، توزیع درآمدها و توسعه عدالت

بانکداری الکترونیک، بخش‌بندی و رضایتمندی مشتریان برای کاربرد گسترده مفاهیم کسب و کار و تکنیک‌های از قبیل داده‌کاوی، انبار داده و سیستم‌های پشتیبان تصمیم مطرح هستند. به طور کلی بانک‌ها سازمان‌های هستند که در حوزه کسب و کار مالی عمل میکنند و بر فعالیتهای از قبیل وام‌دهی، مدیریت سپرده گذاری و سرمایه‌گذاری‌ها در بازارهای سرمایه و غیره تمرکز دارند. صنعت بانکداری برای اقتصاد تعیین کننده است و بنابراین موضوعی است که به صورت گسترده در حوزه‌های مختلف از قبیل علم مدیریت، بازاریابی، مالی و فناوری اطلاعات برای محققین علایق زیادی ایجاد کرده است. درواقع بانکداری، صنعتی رقابتی است که نوآوری در آن موفق بوده است و به خاطر اهمیت این بخش برای اقتصاد تبدیل به حوزه‌ای جذاب برای محققین شده است. بانکداری همچنین حوزه‌ای است که مقداری زیاد داده تولید می‌کند و کاربردهای کسب و کار به طور بالقوه‌ای می‌تواند بانک‌ها را بهره‌مند کند و اعتبار تحقیق را افزایش دهد (دیوسون^۱، ۲۰۱۷).

فرخی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی «توسعه و تغییر مدل کسب و کار با بکارگیری رویکرد پویایی سیستم‌ها» پرداخته‌اند. در این بررسی امکان مدل سازی کسب و کار به شیوه‌ای پویا و منعطف طراحی شده است. در همین راستا پس از بررسی پیشینه‌ی موضوع، با تعیین سطح بررسی متناسب با هدف و رویکرد این پژوهش، انتالوژی مدل کسب و کار (BMO) به عنوان مدل انتخابی تعیین شده است. سپس با استفاده از رویکرد پویایی سیستم‌ها، این مدل طراحی شد و ساختار آن با نظرسنجی از خبرگان مورد تأیید قرار گرفت. بررسی‌های مذکور نشانگر این واقعیت مهم است که علی‌رغم ایجاد ارزش ناشی از کاهش هزینه‌ها یا بهبود کیفیت، نحوه‌ی توزیع ارزش ایجاد شده در زنجیره به عوامل متعددی چون عکس‌العمل ارکان تأثیرگذار در سیستم و رفتار پویایی کل ارکان بستگی دارد.

مردیان و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «اثر فناوری اطلاعات

و ارتباطات بر فضای کسب و کار در بانک‌های کشور» به این نتایج دست یافتند: فضای کسب و کار و بخش تجارت خارجی یکی از اجزاء تشکیل دهنده محیط اقتصادی کشور است که به خوبی می‌توانند از قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات متأثر شوند نتایج مقاله حکایت از تأثیر معنادار فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فضای کسب و کار و تسهیل تجاری در کشور و نامشخص بودن این اثر در کشور دارد. بدین معنا که کشور توانسته‌اند از قابلیت‌ها و مزایای فناوری اطلاعات و ارتباطات در مسیر رشد خود استفاده نمایند. حال آنکه در کشور اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فضای کسب و کار و تسهیل تجاری محسوس نیست.

فرهادی و همکاران (۱۳۹۸) از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته به این نتایج دست یافتند: فضای کسب و کار بانکداری یکی از اجزاء تشکیل دهنده محیط اقتصادی کشور است که به خوبی می‌توانند از قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات متأثر شوند نتایج مقاله حکایت از تأثیر معنادار فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فضای کسب و کار بانکداری و تسهیل تجاری در کشور دارد.

فرزین و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بهبود فضای کسب و کار در راستای بانکداری» پرداختند. این پژوهش توصیفی بوده و جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بهبود فضای کسب و کار به‌عنوان یکی از راهبردهای توسعه اقتصادی مورد توجه بوده و باعث بهبود عملکرد بانکداری می‌شود.

صالح آبادی (۱۳۹۵)، در مقاله خود نقش بازار سرمایه را در بهبود فضای کسب و کار ایران بررسی و به ارتباط تنگاتنگ به بین شاخص زمان و تسهیلات آغاز یک کسب و کار و شاخص حمایت از سرمایه‌گذاری با نهاد ناظر بازار سرمایه به بیان دستاوردهای مطالعاتی محققان و آثار بازار سرمایه بر فضای کسب و کار و شاخص‌های آن و نیازهای کسب و کار در بازار سرمایه پرداخت. وی بازار سرمایه را یکی از پشتیبانان

کارآمد مالکیت را داشته بشوند میتوانند ظرفیت بالقوه سرمایه را که خود را در جهت تقویت اسوتعداد کارآفرینی به کار گیرند. وی همچنین بیان میکند که عدم رعایت حقوق مالکیت و قوانین مربوط به محیط کسب و کار می تواند مانع اصلی در تولید و انباشت سرمایه باشد.

دراکر^۴ (۲۰۱۸) در ارتباط با محیط کسب و کار بر بانکداری در کشوری توسعه یافته چون نروژ عوامل شاخصهای کسب و کار عمدتاً معطوف به مالیاتها و سیاستهای نیروی کار هستند که بیشترین هزینه را برای فعالان اقتصادی در این کشور ایجاد می کنند. این گزارش در سطح کلان، به ارزیابی رتبه بندی های فضای کسب و کار در بانکداری نروژ که به صورت سالانه توسط چندین مؤسسه ارائه میشود پرداخته و نتیجه ارزیابی کلی نگرشی شاخصها و لزوم توجه به ویژگیهای بخشی و منطقه ای است.

ابراهیم حیدر^۵ (۲۰۱۶) در مطالعه ای با استفاده از داده های ۱۷۲ کشور طی سال های ۲۰۰۰-۲۰۱۵ به بررسی اثرات بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنی دار شاخصهای بهبود فضای کسب و کار، آزادسازی تجاری، آزادسازی مالی، ثبات سیاسی، کیفیت قانون و کنترل فساد بر رشد اقتصادی دارد.

عبداله و همکاران^۶ (۲۰۱۴) در مطالعه ای به بررسی اثر شاخص های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و مقایسه آن با کشورهای (OECD) طی سال های ۲۰۰۶-۲۰۱۳ پرداخته اند. این پژوهش بر اساس روش تحلیلی و با استفاده از داده های شاخص های فضای کسب و کار بانک جهانی انجام شده است که نتایج حاکی از اثرگذاری بیشتر شاخص های حمایت از سهامداران خرد، اخذ اعتبار و اجرای قرارداد بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی می باشد به طوریکه این اثر در کشورهای در حال توسعه تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی داشته است.

قوی برای اشتغال، نوآوری و رشد اقتصادی به دلیل به جریان انداختن سرمایه آگاهانه می داند.

طیسی و عباسلو (۱۳۹۴) به بررسی اعتبارات بانکی و سایر تعیین کننده های اقتصادی فضای کسب و کار پرداخت و به دنبال اثر تسهیلات بانکی به همراه سایر تعیین کننده های کلان بر بخش های مختلف اقتصادی در دوره ۱۳۶۰-۱۳۹۲ بودند که نتایج زمینه های لازم برای تحلیل اثرات مختلف رشد تسهیلات بانکی بر توسعه فضای کسب و کار بخش های مختلف را فراهم می سازد.

جیک^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه خود با استفاده از آمار توصیفی و رگرسیون چندمتغیره، رابطه بین بانکداری و فضای کسب و کار را برای ۱۵ کشور اروپایی در بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۹ بررسی کرده است. او دریافته است که تغییرات صعودی در فضای کسب و کار در اتحادیه اروپا رخ داده است و بین بانکداری و بهبود فضای کسب و کار رابطه معناداری وجود دارد.

فراس^۲ (۲۰۱۹) در مقاله خود بر نقش بالقوه اصلاح شاخص های فضای کسب و کار بر بهبود رتبه کشورها و رشد اقتصادی آنها تأکید کرده و شاخص های اخذ اعتبار و اجرای قرار دادها و حمایت از سهامداران خرد را از مهمترین شاخص ها برای رشد اقتصادی کشورها می داند. وی بیان می کند که شاخص هایی که بر زمان و هزینه تمرکز می کنند نیز اثر بسزایی در رشد اقتصادی دارند. همچنین وی اصلاح جریان سرمایه گذاری را برای بهبود فضای کسب و کار کشورها را لازم می داند.

دنيس^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «کسب و کار» معتقد است که بهبود فضای کسب و کار یکی از مهمترین و اصلی ترین راههای ایجاد توسعه حتی با تکیه بر سرمایه های کوچک می باشد و مقررات ساده تر و کمتر از جانب دولت و اتکای بیشتر بر حکومت قانون می تواند شرایط اشتغال را آسان تر کند. در صورتی که مردم امکان دسترسی به نظام

برآورد مدل

برای به دست آوردن اثر فضای کسب و کار بر رشد صنعت بانکداری در کشورهای منتخب از مدل مبتنی بر برآوردگرهای پویا و ایستا براساس روش گشتاورهای تعمیم یافته و مدل پانل ایستا (اثرات ثابت و تصادفی) استفاده می شود. این شیوه، درون زا بودن محتمل متغیرهای توضیحی و اثر ویژه کشوری در مدل های پانل و دارای متغیر وابسته وقفه دار را همانند مدل های رشد کنترل می کند. مدل رگرسیون در حالت کلی به شکل زیر نوشته می شود:

$$y_{it} = \alpha y_{i,t-1} + x'_{it} \beta + \eta_i + v_{it}$$

$$y_{it} = x'_{it} \beta + \eta_i + v_{it}$$

که در آن y متغیر وابسته، x شامل متغیرهای توضیحی، η اثرات ویژه فردی مستقل از زمان، ε جمله خطا و i, t نشان دهنده زمان و مقطع می باشد. در این پژوهش جهت بررسی نقش فضای کسب و کار بر رشد صنعت بانکداری در گروه کشورهای منتخب، از رگرسیون های زیر جهت تخمین استفاده خواهد شد (مدل پژوهشی برگرفته از مقاله های کولومبو و توراتی^۱ (۲۰۰۸)، احمد و فهیم^۲ (۲۰۱۰) و دونفوریو و همکاران^۳ (۲۰۱۱) می باشد:

رگرسیون اول: نفوذ بانکی (شاخص رشد صنعت بانکداری)

$$Pen = f(Pen_{t-1}, DOBU_t, INF_t, M2_t, CREDIT_t)$$

$$Pen_{i,t} = \alpha_0 + \beta_0 Pen_{i,t-1} + \beta_1 DOBU_{i,t} + \beta_2 INF_{i,t} + \beta_3 M2_{i,t} + \beta_4 CREDIT_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

رگرسیون دوم: تمرکز بانکی (شاخص رشد صنعت بانکداری)

$$Den = f(Den_{t-1}, DOBU_t, INF_t, M2_t, CREDIT_t)$$

$$Den_{i,t} = \alpha_0 + \beta_0 Den_{i,t-1} + \beta_1 DOBU_{i,t} + \beta_2 INF_{i,t} + \beta_3 M2_{i,t} + \beta_4 CREDIT_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در این دو رگرسیون:

متغیرهای وابسته:

- شاخص نفوذ بانکی (Pen) کشور t

- شاخص تمرکز بانکی (Den) کشور t

متغیر مستقل:

- شاخص فضای کسب و کار (DOBU) کشور t

متغیرهای کنترل:

- نرخ تورم شبکه بانکی کشور t

- حجم نقدینگی شبکه بانکی کشور t

- حجم تسهیلات اعطایی شبکه بانکی کشور t

با توجه به معادله فوق، در تحقیق حاضر، اثر متغیرهای مستقل تحقیق شامل؛ شاخص فضای کسب و کار، نرخ تورم شبکه بانکی کشور، حجم نقدینگی شبکه بانکی کشور، حجم تسهیلات اعطایی شبکه بانکی کشور بر شاخص نفوذ بانکی و شاخص تمرکز بانکی در نمونه ای از کشورهای تازه صنعتی شده (NICs) شامل کشورهای؛ فیلیپین، اندونزی، مالزی، ترکیه تایلند و مکزیک و کشورهای منتخب OECD، شامل کشورهای؛ استرالیا، کانادا، جمهوری چک، ایتالیا، ایسلند، ژاپن، آلمان، فرانسه، نیوزیلند، نروژ، سوئد، انگلستان و ایالات متحده آمریکا و کشورهای منتخب OPEC شامل کشورهای؛ ایران، عربستان، ونزوئلا، قطر، لیبی، الجزایر، نیجریه، اکوادور، کویت، آنگولا و عراق و کشورهای منتخب بریکس (BRICS) شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی و با استفاده از مدل پانل پویا برای بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۹ بررسی خواهد شد. کلیه داده های مربوط به مطالعه از طریق پایگاه شاخص های توسعه جهانی^۴ (WDI) استخراج می شود. همچنین برای تخمین مدل برای کشورهای منتخب OPEC و کشورهای منتخب OECD، از مدل گشتاور تعمیم یافته و برای تخمین مدل برای کشورهای تازه صنعتی شده (NICs) و کشورهای منتخب بریکس (BRICS) از مدل پانل ایستا (اثرات ثابت و تصادفی) استفاده می شود.

قبل از انجام آزمون هم انباشتگی پانلی جهت تعیین رابطه بلند مدت بین شاخص های اصلی مطالعه، باید آزمون ریشه واحد برای جلوگیری از بروز مشکل رگرسیون کاذب برای متغیرها انجام پذیرد. در این تحقیق، از آزمون ریشه واحد لوین، لین و همکاران برای بررسی پایایی متغیرها استفاده می شود.

جدول (۱): خلاصه نتایج آزمون های ریشه واحد پانلی

متغیرها	کشورهای منتخب Opec		
	LLC		
	ضرایب	سطح احتمال	سطح پایایی
Pen	-۱۳/۸۲۶۶	۰/۰۰۰۰	I(0)
Den	-۱۷/۵۳۲۳	۰/۰۰۰۰	I(0)
DOBU	-۳/۳۷۵۷۰	۰/۰۰۰۵	I(0)
CREDIT	-۶/۳۷۹۹۷	۰/۰۰۰۰	I(1)
INF	-۱۳/۷۴۹۹	۰/۰۰۰۰	I(0)
M2	-۱۰/۵۳۱۹	۰/۰۰۰۰	I(1)
متغیرها	کشورهای منتخب Oecd		
	LLC		
	ضرایب	سطح احتمال	سطح پایایی
Pen	-۸/۲۴۷۷۸	۰/۰۰۰۰	I(0)
Den	-۳۷۹/۳۶۴	۰/۰۰۰۰	I(0)
DOBU	-۲/۴۱۹۱۴	۰/۰۰۷۸	I(0)
CREDIT	-۲/۵۴۲۶۰	۰/۰۰۵۵	I(0)
INF	-۶/۳۹۲۶۷	۰/۰۰۰۰	I(0)
M2	-۱۶/۹۸۴۲	۰/۰۰۰۰	I(0)
متغیرها	کشورهای منتخب BRICs		
	LLC		
	ضرایب	سطح احتمال	سطح پایایی
Pen	-۲/۵۴۵۸۵	۰/۰۰۵۵	I(0)
Den	-۲۳/۱۸۱۰	۰/۰۰۰۰	I(1)
DOBU	-۲/۷۵۹۴۰	۰/۰۰۲۹	I(0)
CREDIT	-۲/۵۷۸۱۳	۰/۰۰۵۰	I(0)
INF	-۳/۰۹۹۵۹	۰/۰۰۱۰	I(0)
M2	-۳/۱۹۳۶۳	۰/۰۰۰۷	I(0)
متغیرها	کشورهای منتخب NICs		
	LLC		
	ضرایب	سطح احتمال	سطح پایایی
Pen	-۶/۹۵۸۳۱	۰/۰۰۰۰	I(1)
Den	-۴/۵۸۱۴۰	۰/۰۰۰۰	I(1)
DOBU	-۲/۰۲۶۱۱	۰/۰۲۱۴	I(0)
CREDIT	-۵/۱۵۰۸۶	۰/۰۰۰۰	I(1)
INF	-۶/۲۹۵۶۸	۰/۰۰۰۰	I(0)
M2	-۲/۱۹۸۳۷	۰/۰۱۴۰	I(0)

منبع: یافته های محقق

می‌توان به تخمین‌های کارایی از عوامل الگو دست یافت که در این حالت به رغم وجود سری‌های زمانی ناپایا، مشکل رگرسیون جعلی را نخواهیم داشت و معادله تخمین زده شده، معادله تعادلی بلند مدت خواهد بود. در این تحقیق از آزمون کائو برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی میان متغیرها استفاده می‌کنیم. نتایج در جدول ۵ تا ۸ ارائه گردیده است.

نتایج جدول ۱ و بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آنها برای کشورهای منتخب در نشان می‌دهد که بعضی از متغیرها در سطح و بعضی با یکبار تفاضل‌گیری پایا گردیدند.

آزمون‌های هم‌انباشتگی پانل^۱

در صورت کشف رابطه هم‌انباشتگی بین دو متغیر،

جدول (۲): نتایج آزمون هم‌انباشتگی

آماره‌های آزمون	کشورهای منتخب Opec	
	Statistic	Prob
مدل ۱	-۱/۵۵۸۰۷۹	۰/۰۵۹۶
مدل ۲	-۱/۷۶۴۶۹۹	۰/۰۲۲۲
آماره‌های آزمون	کشورهای منتخب Oecd	
	Statistic	Prob
مدل ۱	-۱/۷۶۰۳۳۱	۰/۰۳۴۵
مدل ۲	-۲/۶۵۱۱۶۰	۰/۰۰۴۰
آماره‌های آزمون	کشورهای منتخب BRICs	
	Statistic	Prob
مدل ۱	-۱/۸۷۸۱۷۲	۰/۰۱۹۹
مدل ۲	-۶/۰۴۷۳۳۸	۰/۰۰۰۰
آماره‌های آزمون	کشورهای منتخب NICs	
	Statistic	Prob
مدل ۱	-۱/۶۱۶۳۱۵	۰/۰۵۳۰
مدل ۲	-۱/۹۳۵۴۶۰	۰/۰۱۵۸

منبع: یافته‌های محقق

ملاحظه می‌شود که طبق نتایج جدول ۲ برای کشورهای منتخب و با توجه به پایین بودن سطح معنی داری از ۰/۰۵، فرض صفر مبنی بر نبودن رابطه هم‌انباشتگی میان متغیرها قابل رد است و آزمون بر وجود همگرایی متغیرها گواهی می‌دهند و متغیرها در بلندمدت هم‌انباشته بوده و رابطه بلند مدت بین آنها وجود دارد.

تخمین مدل‌ها و تفسیر نتایج

نتایج تخمین مدل پانل پویا برای کشورهای منتخب OPEC و کشورهای منتخب OECD:

جدول (۳): نتایج حاصل از تخمین الگو به روش GMM برای کشورهای منتخب Opec

متغیر	مدل اول	متغیر	مدل دوم
	ضریب و احتمال		ضریب و احتمال
PEN(-1)	۰/۸۲۹۰۸۰ ۰/۰۰۰۰	DEN(-1)	۰/۶۴۶۴۸۲ ۰/۰۰۰۰
M	-۰/۳۲۶۴۵۷ ۰/۰۴۱۵	M	-۰/۱۲۰۲۵۶ ۰/۰۳۱۶
INF	-۰/۵۴۳۸۳۲ ۰/۰۰۹۰	INF	-۰/۱۵۸۲۷۷ ۰/۰۰۰۰
DOBU	۰/۴۰۸۲۳۳ ۰/۰۰۰۱	DOBU	۰/۴۰۹۴۱۵ ۰/۰۱۵۱
CRED	-۰/۹۴۸۴۳۰ ۰/۰۰۰۰	CRED	-۰/۲۳۶۱۸۸ ۰/۰۳۴۸

منبع: یافته‌های محقق

جدول (۴): نتایج حاصل از تخمین الگو به روش GMM برای کشورهای منتخب Oecd

متغیر	مدل اول	متغیر	مدل دوم
	ضریب و احتمال		ضریب و احتمال
PEN(-1)	۰/۸۲۲۶۷۹ ۰/۰۰۰۰	DEN(-1)	۰/۷۸۳۳۳۱ ۰/۰۰۸۲
M	۰/۳۲۸۶۴۳ ۰/۰۱۰۴	M	۰/۰۴۸۸۰۸ ۰/۰۰۰۰
INF	-۰/۱۰۶۲۴۶ ۰/۰۰۰۰	INF	-۰/۵۵۸۴۹۸ ۰/۰۰۰۰
DOBU	۰/۱۵۴۰۵۱ ۰/۰۱۵۳	DOBU	۰/۵۵۳۴۵۴ ۰/۰۲۹۱
CRED	۰/۳۹۶۸۶۳ ۰/۰۰۰۱	CRED	۰/۰۱۳۴۰۷ ۰/۰۲۶۶

منبع: یافته‌های محقق

انتظار و مطابق با مبانی تئوریک موضوع می باشد. روابط برآوردی برای کشورهای منتخب اوپک، وجود رابطه منفی مابین، حجم نقدینگی، نرخ تورم و حجم تسهیلات بانکی با شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (DEN) را نشان می دهد، بعبارتی افزایش در حجم نقدینگی، نرخ تورم و حجم تسهیلات بانکی در این کشورها بخاطر مصرفی بودن

نتایج حاصل از تخمین مدل گشتاور تعمیم یافته برای کشورهای منتخب اوپک و کشورهای منتخب OECD در مدل اول که شاخص نفوذ بانکی (PEN) و در مدل دوم که شاخص تمرکز بانکی (DEN) به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است، گویای این مطلب می باشد که؛ ضرایب تمامی متغیرها در بلند مدت معنا دار بوده، علائم آنها مورد

و وابستگی به تک محصول صادراتی نفت منجر به کاهش شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (DEN) می‌شود. همچنین نتایج نشان از وجود تأثیر گذاری مثبت متغیر شاخص فضای کسب و کار بر شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (DEN) می‌باشد، عبارتی بهبود فضای کسب و کار منجر به افزایش شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (DEN) در کشور های منتخب اوپک می‌شود.

همچنین نتایج برای کشورهای منتخب OECD، وجود رابطه منفی مابین نرخ تورم و شاخص نفوذ بانکی (PEN)

و شاخص تمرکز بانکی (DEN) را نشان می‌دهد، عبارتی افزایش در نرخ تورم منجر به کاهش شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (DEN) می‌شود و همچنین نتایج نشان از وجود تأثیر گذاری مثبت متغیرهای حجم نقدینگی، حجم تسهیلات بانکی و شاخص فضای کسب و کار بر شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (DEN) می‌باشد، عبارتی افزایش حجم نقدینگی، حجم تسهیلات بانکی و بهبود فضای کسب و کار منجر به افزایش شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (DEN) در کشورهای منتخب OECD می‌شود.

جدول (۵): نتایج آزمون سارگان آرلانو - باند برای مدل GMM در کشورهای منتخب Opec و کشورهای منتخب Oecd

J-Statistic=7.424	Instrument Rank= 12	مدل ۱	کشورهای منتخب Opec
Sargan- Test= 0.3860			
J-Statistic=7.397	Instrument Rank= 12	مدل ۲	کشورهای منتخب Oecd
Sargan- Test= 0.2856			
J-Statistic=7.405	Instrument Rank= 12	مدل ۱	کشورهای منتخب Oecd
Sargan- Test= 0.3878			
J-Statistic=8.717	Instrument Rank= 12	مدل ۲	
Sargan- Test= 0.2736			

همچنین نتایج آزمون سارگان که P-value ما در این آزمون بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ پس فرضیه صفر ما پذیرفته شده و همبستگی میان متغیرهای ابزاری و اجزاء اخلاص در هر دو مدل برای کشورهای منتخب وجود ندارد. نتایج تخمین مدل پانل ایستا برای کشورهای تازه صنعتی شده (NICs) و کشورهای منتخب بریکس (BRICs) برای تعیین روش به کارگیری داده های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آن ها از آزمون چاو و آماره ی F لیمر استفاده شده است.

جدول (۶): نتایج انتخاب الگو جهت تخمین مدل برای کشورهای منتخب BRICs

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	Prob
F مقید برای مدل	F	۶۳/۳۰۶۶۵	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن برای مدل	H	۰/۶۵۳۳۶۱	۰/۷۸۶۶
F مقید برای مدل	F	۷۵/۰۰۲۲۸۹	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن برای مدل	H	۳۰۰/۰۰۹۱۵۵	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های محقق

جدول (۷): نتایج انتخاب الگو جهت تخمین مدل برای کشورهای منتخب NICs

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	Prob
F مقید برای مدل	F	۵۵/۷۹۵۹۰۰	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن برای مدل	H	۱۰۸/۱۸۷۲۲۵	۰/۰۰۰۰
F مقید برای مدل	F	۱۳/۹۴۵۶۳۱	۰/۰۰۰۰
آزمون هاسمن برای مدل	H	۲۸/۳۱۱۰۶۶	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های محقق

را ارائه می‌دهند و نسبت به روش قبلی کاراتر و مناسب‌تر هستند. اما برای انتخاب مدل مناسب از بین دو مدل اثرات ثابت و تصادفی، لازم است آزمون هاسمن انجام پذیرد. نتیجه آزمون هاسمن برای کشورهای منتخب BRICs، در مدل اول، اثرات تصادفی و در مدل دوم اثرات ثابت را مورد تأیید قرار می‌دهد، همچنین نتیجه آزمون هاسمن برای کشورهای منتخب NICs، در مدل اول و دوم، اثرات ثابت را مورد تأیید قرار می‌دهد که نتایج تخمین در جداول ذیل ارائه شده است.

بر اساس آزمون F، با احتمال ۹۹٪ نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر یکسان بودن اثرات انفرادی^۱، را پذیرفت. بنابراین، نتایج روش حداقل مربعات معمولی، اریب‌دار می‌باشد و باید روشی را اتخاذ کرد تا اثرات انفرادی ناشی از ناهمگنی متغیرها، لحاظ شود. پس می‌توان گفت که روش‌های اثرات ثابت و تصادفی که قدرت توضیح دهنده بالایی دارند و اثرات انفرادی را در نظر می‌گیرند، نتایج قابل اطمینان‌تری

جدول (۸): نتایج حاصل از تخمین الگو به روش پانل ایستا برای کشورهای منتخب BRICs

متغیر	مدل اول ضریب و احتمال	متغیر	مدل دوم ضریب و احتمال
C	۷/۶۰۸۳۸۸ ۰/۰۰۰۰	C	۱۰/۰۶۰۳۵ ۰/۰۰۰۸
M	۰/۷۲۰۵۸۱ ۰/۰۰۰۰	M	۰/۷۰۱۷۹۵ ۰/۰۵۱۱
INF	-۰/۱۴۴۲۷۵ ۰/۰۰۱۶	INF	-۰/۳۳۹۵۶۲ ۰/۰۱۰۵
DOBU	۰/۵۸۶۱۵۰ ۰/۰۰۰۰	DOBU	۰/۷۲۰۹۷۰ ۰/۰۰۰۰
CRED	۰/۰۱۷۶۰۵ ۰/۰۲۵۷	CRED	۰/۵۶۰۱۷۳ ۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های محقق

نتایج حاصل از تخمین مدل پانل ایستا برای کشورهای منتخب BRICs و کشورهای منتخب NICs در مدل اول که شاخص نفوذ بانکی (PEN) و در مدل دوم که شاخص تمرکز بانکی (PEN) به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است، گویای این مطلب می باشد که؛ ضرایب تمامی متغیرها در بلند مدت معنا دار بوده، علائم آنها مورد انتظار و مطابق با مبانی تئوریک موضوع می باشد. نتایج برای کشورهای منتخب BRICs و کشورهای منتخب NICs، وجود رابطه منفی مابین نرخ تورم با شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (PEN) را نشان می دهد، بعبارتی افزایش در نرخ تورم منجر به کاهش شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (PEN) می شود و همچنین نتایج نشان از وجود تأثیر گذاری مثبت متغیرهای حجم نقدینگی، حجم تسهیلات بانکی و شاخص فضای کسب و کار بر شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (PEN) می باشد، بعبارتی افزایش حجم نقدینگی، حجم تسهیلات بانکی و بهبود فضای کسب و کار منجر به افزایش شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (PEN) در کشورهای منتخب BRICs و کشورهای منتخب NICs می شود.

نتیجه گیری

بهبود فضای کسب و کار یکی از چالش ها و اولویتهای اساسی در اقتصاد کشورها و عاملی مهم در جهت دستیابی به اهداف رشد، توسعه اقتصادی و رشد صنعت بانکداری است. می توان گفت فضای کسب و کار انعکاسی از وضعیت اقتصادی و نهادی یک کشور است و افق سرمایه گذاری در کشورها را تعیین می کند. توسعه فضای کسب و کار عاملی مهم در جهت گسترش فعالیت های بخش خصوصی و کارآفرینان بالقوه برای فراهم کردن بسترهای رشد صنعت بانکداری است. شاخص جهانی فضای کسب و کار شامل شروع کسب و کار، کسب مجوزهای ساخت و ساز، دسترسی به انرژی الکتریکی، ثبت مالکیت، دریافت اعتبارات، حمایت از سرمایه گذاران، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، اجرای قراردادهای حل و فصل ورشکستگی است. مطالعه حاضر

به بررسی اثر فضای کسب و کار بر رشد صنعت بانکداری در کشورهای منتخب Opec، کشورهای منتخب Oecd، کشورهای منتخب BRICs و کشورهای منتخب NICs می پردازد. نتایج تخمین برای سه گروه کشورهای منتخب Oecd، کشورهای منتخب BRICs و کشورهای منتخب NICs نزدیک هم می باشد و بعبارتی بدلیل پشت سر گذاشتن مراحل توسعه یافتگی، بهبود در فضای کسب و کار و افزایش حجم نقدینگی و حجم تسهیلات بانکی، شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (PEN) بهبود می یابد. ولی برای کشورهای منتخب اوپک نتایج متفاوت تر می باشد.

ارتباط تنگاتنگ نظام تأمین مالی کشور با سیستم بانکی و نقش کم رنگتر بازارهای مالی غیر بانکی در تأمین مالی فعالیت های اقتصادی موجب شده است تا جایگاه سیستم بانکی در ارتباط با بهبود فضای کسب و کار برجسته تر شود. نتایج تخمین مدل در این گروه از کشورها نشان می دهد که با افزایش منابع و درآمدهای نفتی، بدلیل وابستگی شدید این کشورها به درآمدهای حاصل از نفت، درآمدهای دولت و نقدینگی بانکها نیز افزایش می یابد و با توجه به اینکه بیشتر این کشورها بخاطر مصرفی بودن وابستگی شدیدی به تقاضای واردات دارند، لذا با افزایش درآمدهای نفتی، تقاضای کل در اقتصاد این کشورها افزایش می یابد و به علت عدم وجود قدرت تولیدی و عدم توجه زیاد به مسئله کسب و کار و کارآفرینی، با افزایش تقاضا توسط مصرف کنندگان کالاها و خدمات، سطح عمومی قیمت ها (تورم) نیز افزایش می یابد، در این شرایط و برای جلوگیری از افزایش دوباره سطح عمومی قیمت ها بخاطر افزایش تقاضا در این کشورها، واردات (که تابعی مستقیم از درآمد است) از کشورهای دیگر است، افزایش می یابد تا از تورم جلوگیری گردد، بنابراین وجود رابطه منفی بین حجم نقدینگی و حجم تسهیلات بانکی و تورم با شاخص نفوذ بانکی (PEN) و شاخص تمرکز بانکی (PEN) قابل انتظار می باشد. از طرف دیگر به علت پایین بودن قدرت رقابت و عدم وجود زیر ساخت های مناسب در اقتصاد داخلی و بدلیل دارا بودن قدرت رانت نفتی در دست دولت ها، درآمدهای مازاد نفتی به جای سرمایه گذاری در بخش تولید و پرداخت

نوسان بیشتر قیمت و فشار بیشتر برای فروش در بازار سرمایه ارتباط دارد. نقدینگی یکی از مهمترین عواملی است که بر عملکرد صحیح و موفق بازار سرمایه اثر گذار می باشد.

- استفاده از عوامل دیگری مانند پیشرفت تکنولوژی، جلب رضایت مشتری با ابزارهایی مانند تسریع در خدمات رسانی، کاهش تعداد مراجعه مشتریان به بانک، ارسال صورت حساب به صورت مداوم و غیره. همچنین استفاده از بانکداری الکترونیکی به منظور کاهش قیمت تمام شده ارائه خدمات بانکی و به تبع آن هزینه بانک و افزایش خدمات رسانی مطلوب به مردم و جذب مشتریان، می تواند موجب افزایش خدمات جهت کسب و کارهای نوآورانه شود.

فهرست منابع

ادیب، دارا (۱۳۹۸) نقش توسعه نظام مالی و بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس توسعه نظام تامین مالی در ایران.

افخمی، نصیر (۱۳۹۷) «نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب و کار در ایران». فصلنامه پول و اقتصاد.

تورجی، جمال (۱۳۹۷) بررسی و ارائه مدل سنجش بلوغ کسب و کار با استفاده از استنتاج فازی: مطالعه موردی حوزه ارزی بانک مرکزی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

جمالی، صابر (۱۳۹۷) شناسایی و اولویت بندی عوامل کلیدی موفقیت در پیاده سازی هوش کسب و کار: مورد مطالعه بانک صادرات ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.

شاپوری، مراد (۱۳۹۷) ارزیابی عملکرد سیستم هوشمندی کسب و کار با استفاده از تحلیل فازی. فصلنامه تخصصی رشد فناوری ش ۱۳.

صالح آبادی، علی (۱۳۸۸). «نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب و کار در ایران». فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۱۰۱-۱، ۱۲۱.

فرخی، دارا (۱۳۹۷) شناسایی و رتبه بندی عوامل حیاتی موفقیت سیستم های هوشمند کسب و کار در صنعت درمان با رویکرد

تسهیلات برای فعالیت های کسب و کار، صرف هزینه های جاری کوتاه مدت و همچنین سرمایه گذاری هایی که در مدت زمان کوتاه سودآوری بیشتری دارند، می شود که این عامل نیز باعث ایجاد شکاف تولید در اقتصاد شده و بار اضافی بر دوش اقتصاد می افتد و تاثیر منفی بر رشد صنعت بانکداری برجای می گذارد. همچنین افزایش درآمدهای نفتی و افزایش دارایی های خارجی بانک مرکزی باعث افزایش در پایه ی پولی کشور شده و حجم نقدینگی نیز افزایش می یابد و به طبع آن تورم نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین نتایج برای این گروه از کشورها قابل توجه می باشد.

- باتوجه به روبه رشد بودن هزینه فرصت در اقتصاد تورمی کشورهای در حال توسعه و در نظر گرفتن مطالعات انجام شده در این خصوص بهتر است شبکه ی بانکی در کشورهای توسعه نیافته، مشارکت مستقیم در سرمایه گذاری و ارائه خدمات جهت کسب و کارهای نوآورانه را در جهت افزایش سودآوری با توجه به فرصت های در پیش روی اقتصاد نسبت به پرداخت تسهیلات مدنظر قرار دهند که در این راستا شناسایی فرصت های صحیح سرمایه گذاری باید مورد توجه مدیران ارشد بانک ها قرار گیرد. و سرمایه گذاری در پروژه ها بازاریابی با هدف مشتری مداری.

- حساسیت سرمایه گذاری خصوصی نسبت به اعتبارات اعطایی بانک ها و نرخ سود تسهیلات بانکی، نشان می دهد که کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی اثر بیشتری در افزایش سرمایه گذاری و همچنین کسب و کارهای اقتصادی دارد تا افزایش اعتبارات اعطایی بانک ها. لذا به نظر می رسد سیاست اقتصادی دولت ها برای کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی در جهت افزایش سرمایه گذاری و همچنین کسب و کارهای اقتصادی، از نظر اقتصادی سیاست موجه و قابل توجه باشد.

- کمبود نقدینگی موجب شکل گیری حساسیتی می شود که تأثیر منفی بر ارائه خدمات جهت کسب و کارهای نوآورانه داشته و موجب خروج سرمایه گذاران از بازار و بانکها می شود. کاهش در نقدینگی بازار معمولاً بیانگر وجود مشکل در بازار سرمایه است. به عنوان مثال، کاهش در نقدینگی بازار با

- آمیخته. فصلنامه مطالعات ش ۱۳.
- مرادیان، فرید (۱۳۹۷). بررسی جامعه شناختی در باب هوشمندی کسب و کار بانکی: مطالعه موردی بانک کشاورزی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- نظری، فرهاد (۱۳۹۸). نقش توسعه نظام مالی و بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس توسعه نظام تامین مالی در ایران ص ۱۷.
- Calper et al (2016). An exploratory study of the critical factors affecting the acceptability of automated teller machine (ATM) in Nigeria, *Anale Seria Informatica*.
- Calper et al. (2016). Quality of higher education in Iran; a model based on Grounded theory. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 5(8), 67-95.
- Davidson (2017). The Influence of Culture Characteristics upon the Implementation of Business Intelligence Management. University Iasi, Romania: *Review of International Comparative Management*, 10(5), 934-941.
- Deris (2017). The Implementation of Enterprise Business Intelligence: Case Study Approach. *Journal of Southeast Asian Research*, 1-15.
- Ibrahim Haidar (2016). E-banking: evolution, status & prospects, the cost and management, *Management International Review*, 35(1), 31.
- Vaker (2019). Identifying Quality Factors within Data Warehouse. *Proceedings of the 2nd International Conference on Computer Research and Development*, November 2-4, Cairo, Egypt.

